

بود چو از آن دیوانه درین مردمان بنویسد اینها و بنویسد
از هدیه است که بر او روزی افتاد و خیر از آن است
اوقت بیوک کل بی وکل صلیف وکل شیب وکل لاسک
لم یفیه حی نیب برافهم استحقاق بیوک اناحیلک ابراهیم
آه ای که حال کان و مصروفان چو حین باند ای حال
مانا یا کان و کما هکله چه بود
در اینم از قول پیرمقل ادوا لغز را تن بر سر کما
جایی که دهنت خرم عیال نیا بر عدل کاهان چه کار کجا
در روز قیامت زمان حقیق بر ملک شود یا فلان
عاصی را برید بس بنید بس در انش اقلید کجا
کما بس اندا خدو و فلان در الحیم صاوه در تفسیر
آمد لبنت بجره سا زمان حق شود ما خاره هفتاد هزار
درین تفسیر زینتی کند وای که تن در روز قیامت
دوست مردوست خردر بنوا که از عذاب خدایه جلند
کما قال الله یوفی کل یحیة قسطا عطف قوا شیا و کما
همی نضر کت الی امت رجا الله انه هو العزیز
الرحیم در کلمات مشایخ طریقت قدس الله ارواحهم
آمد که در اینم صور را بعضی بنکاران
حاله با مندا بخندند ای دوست ایان کماند اناند
ایک الذین سکت کفریما الحی نعت خصوم
ایان لب او قبل عن خاف عطف لم یستغوث

حسابها

حسینیا و هم فیما استشهدت العیة حالک
باین که است است لم یخذ لکم لفرق الی استر نیا
علم خائف البانف و هم موت فف کونهم یوفون
دلیل استیت ایانت اری هر که است کلمه حجت
بود اول از اصول جز و از لایه فامین هم با کون ملک
از نظران حال و جلک محبوس خرف باند در خرد
دین در اندک است در
مرو قیامت منی بک عمل نموده خاویج درین منزلت مودک
وقال مقاتل بن سلیماناه مع الیقین یا بین منی فی الزین
باجون و ما بین سنتان الظلمین مستخرون و ما بین منی معون
بعضی بعضی عند بهم مستخرون و قال لربهم القیامت
کان منکون خمیر الف سنة و انما فی عیال المیز الخلیف
کما بعضی علیه ساعه و امله و حمر حضرت را هم کما
محضی علیه ساعه و امله و حمر حضرت را هم کما
بسیصد یا در سل الله روز قیامت نگاه هر را که
خواهد بود بس حال هم چه خواهد بود و چون بر
انسان در صحبت مکرده وقت صاوه مکتوب و بلایه
دوست یا قیامت در فیه لب یکی قیامت مکرر و دم
قیامت بگری قیامت صبری موند کما قال المبی
ه م فرمات فقد قیامت قیامت و اعلم ان اللان از
ماست فقد عابین از قیامت انی ربک الجنة و انما اللی

Handwritten marginal notes at the top of the left page.

Handwritten marginal notes at the bottom of the left page.